

# مبانی شمشیربازی المپیک (۱)

## تاریخچه و ماهیت بازی ها

ترجمه: عباسعلی فاریابی (۱۴۰۰/۴/۱۶)

هیچ رویدادی در دنیای ورزش وجود ندارد که جایگاهی به اندازه المپیک داشته باشد. این رویداد نه تنها در رأس رویدادهای ورزشی قرار دارد بلکه بخشی از آنچه جامعه به طور کلی دنبال آن است برگزار می شود. این اصل در مورد شمشیربازی و همچنین بسیاری از ورزش های دیگر صدق می کند. بازی های المپیک هم پیچیده و هم ساده هستند و تاریخی دارند که به هزاران سال پیش بر می گردد، خیلی پیش تر از این جهان واقعی کنونی که در آنها زندگی می کنیم.



برای اینکه بفهمیم شمشیربازی چگونه به المپیک راه یافته است، ابتدا باید ببینیم که المپیک چیست.

این اولین بخش از یک مقاله ۳ بخشی است که به شمشیربازی المپیک می پردازد. ما در ابتدا با کاوش بازی ها به طور کلی، نحوه ظهور آنها در جهان، و چگونگی ورود ورزش شمشیربازی به آنها، شروع خواهیم کرد. در بخش ۲، ما به ساختار شمشیربازی المپیک و چگونگی تکامل آن خواهیم پرداخت. و سرانجام، در بخش ۳ شرایط و نحوه رسیدن شمشیربازها به سطح المپیک، از جمله **مسیرهای گزینش** و خصوصیات فردی مورد نیاز برای تصاحب سکویهای شمشیربازی المپیک را بررسی خواهیم کرد.

حال بیایید ببینیم که شالوده اولیه بازی ها چگونه بوجود آمده است، و چگونه شمشیربازی بعنوان بخشی از این رویداد ورزشی مشهور بین المللی قرار گرفت.

## تاریخ المپیک از یونان باستان تا قرن بیستم

تاریخچه بازی های المپیک به سه هزار سال قبل از آغاز مسابقات در یونان باستان برمی گردد. در افسانه المپیک اشاره شده است که هراکلس (یا هرکول) این رویداد را بنیان نهاد و هر چهار سال یک بار برگزار می شدند. بازی ها نام خود را از محل برگزاری آن که **المپیا** نامیده می شد گرفته شده است. مسابقات اصلی شامل ورزش هایی مانند دو، پرش طول، بوکس و سوارکاری بود. این مراسم تنها یک رویداد ورزشی نبود، بلکه نوعی جشن فرهنگی نیز بود. هنرمندان و شاعران در طول بازی های المپیک گرد هم می آمدند تا هنر خود را به اشتراک بگذارند و به دنبال مشتری باشند. سپس در المپیک های بعدی، پیک های خدایان و شیپورچی ها نیز گنجانده شدند.

در آن مسابقات اولیه هیچ نوع مبارزه با شمشیر وجود نداشت. اما یک رشته رزمی به نام Pankration وجود داشت که ترکیبی از بوکس و کشتی بود که برای زدن حریف از خشونت بی رحمانه استفاده می شد. ضمن اینکه بوکس و کشتی شبیه به ورزش های بوکس و کشتی امروزی بود. شمشیر زنی کاملاً بخشی از فرهنگ آن زمان بود، اما بخشی از آن بازی های المپیک اولیه نبود.



سرانجام، پس از روی کار آمدن رومی ها، رقابت ها کاهش یافت. امپراطور نرو (نرون) در اوایل هزاره در مسابقه ارابه رانی شرکت کرد و بلافاصله از ارابه خود افتاد و خود را مضحکه عام و خاص کرد. آنگاه پس از ۱۲۰۰ سال برگزاری مداوم، بازی ها را به عنوان جشن بت پرستی معرفی کردند و به مدت چند صد سال کاملاً ممنوع شدند.

در طول قرن ۱۹ میلادی، و تا سال ۱۸۹۲ که سال ظهور جنبش مدرن المپیک است، علاقه مداوم به ورزش به عنوان راهی برای به چالش کشیدن بشر و فشار آوردن به انسان ها برای تبدیل شدن به بهترین نسخه خود، وجود داشت. مسابقات ورزشی بین المللی دیگری نیز قبل از بازی های المپیک وجود داشت - زیرا این بازی های به یک باره از آسمان نازل نشده بودند. در آن زمان سازمان ها مرتبط به ورزش های مختلف، از جمله شمشیربازی، دارای مسابقات بین المللی رقابتی بودند.

**بارون پیر دو کوپرتن** فرانسوی ایده احیای المپیک را برای سازمان های تأثیرگذار ورزشی آن زمان به ارمان آورد، و آنها تقریباً بلافاصله بودجه مورد نیاز او را تأمین کردند و شروع به راه اندازی اولین بازی ها کردند. کمیته بین المللی المپیک (IOC) به عنوان هیئت حاکمه بازی ها تشکیل شد، که همچنان به کار خود ادامه می دهد. تنها چهار سال پس از آن جلسات اولیه، اولین المپیک مدرن در سال ۱۸۹۶ در آتن یونان افتتاح شد. ۱۴ کشور، ۱۰ ورزش، ۴۳ مسابقه، ۲۸۰ بازیکن مرد و ۰ بازیکن زن مجاز به شرکت در این مسابقات شدند. آمریکا تنها کشور شرکت کننده غیر اروپایی بود. در آن اولین المپیک، سابر و فلوره مردان گنجانده شده بود. بله، شمشیربازی بخشی از بازی های اصلی المپیک بود!

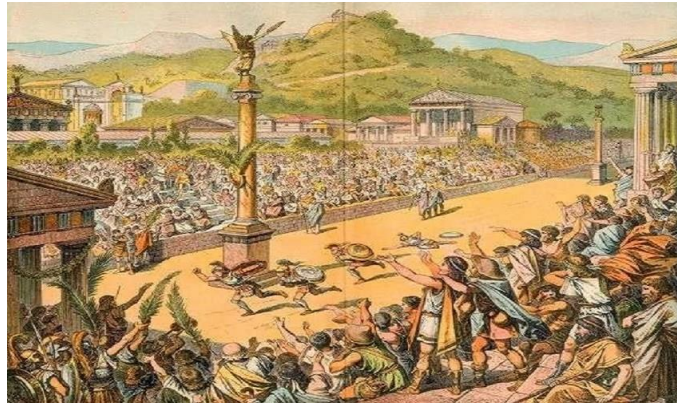
امروزه، این بازی ها به دو نسخه مختلف تقسیم شده اند - بازی های المپیک تابستانی و بازی های المپیک زمستانی، که هر دو سال یکبار باهم جایجا می شوند. بازی های زمستانی بدیهی است که باید در مکانی سرد برگزار شود که در آن برف و یخ نتواند ذوب شود، و آنها بسیار کوچک تر از بازی های المپیک تابستانی هستند.

در طول تاریخ بازی ها چند بار برگزار نشده اند. در سال ۱۹۱۶ به دلیل جنگ جهانی اول، سپس در سال های ۱۹۴۰ و ۱۹۴۴ به دلیل جنگ جهانی دوم **لغو شدند**. تنها زمانی که این بازی ها به تعویق افتادند، در سال ۲۰۲۰ به دلیل ویروس کرونا بوده است. اگرچه آنها در سال ۲۰۲۱ برگزار می شوند، اما هنوز هم به آنها المپیک ۲۰۲۰ اطلاق می شود. مطمئناً در طی این بازی ها ظاهر توکیو بر خلاف آنچه در گذشته بوده است به نظر خواهد آمد، اما مطمئناً سنت المپیک را ادامه خواهد داد.

از همان روزهای ابتدایی دو کوپرتنی، این بازی ها بعنوان "**جنبش المپیک**" نامگذاری شدند. همیشه به آنها فراتر از یک مسابقه نگاه می شد. بازی ها همیشه ما را به رشد ورزشی و ارتقا تا بالاترین سطح ممکن فرا می خواند. به همین دلیل است که ورزشکاران این روند را ادامه می دهند و رشد می کنند، و به همین علت است که شمشیربازی المپیک مقصد اصلی ما شمرده می شود که همیشه با تمرینات قدرتمند خود به سمت آن حرکت می کنیم. کسب مدال طلا در این رویداد آنچنان اهمیتی ندارد، بلکه کسب بهترین نسخه وجودی خود حائز اهمیت است.

## نمادهای المپیک

مضمون اصلی المپیک گردهم آوری بشریت برای بهتر شدن از طریق ورزش است. شعار بازی ها *Citius - Altius - Fortius* است که به معنی **سریع تر - بالاتر - قوی تر** می باشد. یعنی اینکه ما دائماً در پی آن هستیم که بهتر از آنچه هستیم بشویم. در طول بازی های ۲۰۲۱ که در توکیو برگزار می شود، IOC تصمیم دارد کلمه "**با هم**" را به شعار المپیک اضافه کند. این عبارت نماد و روح وحدت است که می بایست به فلسفه بازی ها افزوده شود. بنابراین شعار المپیک *Citius, Altius, Fortius – Communis* (سریع تر، بالاتر، قوی تر و کنارهم) خواهد شد.



پنج حلقه پرچم المپیک نمایانگر پنج قاره است و رنگ های اصلی پرچم تشکیل دهنده شش رنگ پرچم کشورهای که در زمان تصویب بازی ها در سال ۱۹۲۰ در بر می گرفت. حلقه های المپیک نمادین هستند و به وضوح قابل تشخیص هستند.

شعله المپیک نماد دیگری است که از طریق بازی های المپیک به ما الهام می بخشد. با هر بازی المپیک تابستانی که از سال ۱۹۲۸ برگزار می شود، شعله المپیک ابتدا در المپیا یونان روشن می شود. آتش بوسیله آینه و خورشید روشن می شود و سپس به مکان بازی های المپیک، هر جا که باشد، منتقل می شود. شعله های پشتیبان هم در کنار مشعل اصلی حمل می شود تا در صورت خاموش شدن شعله اصلی از یکی از آنها استفاده شود. در حقیقت، امروزه با استفاده از فن آوری های مدرن دو شعله کوچک در داخل هر مشعل تعبیه می شود. هنگامی که مشعل به مراسم افتتاحیه می رسد، روش های مختلفی برای روشن کردن مشعل اصلی وجود دارد. این مشعل در طول بازی ها روشن خواهد بود و در مراسم اختتامیه خاموش می شود.

آنچه در اینجا از اهمیت بالایی برخوردار است سازگاری فلسفه المپیک است. و همیشه هدف بلندتری ورای این بازی ها وجود دارد. و این همان چیزی است که افراد را به سمت خود می کشاند و ما را هل می دهد تا بخواهیم بخشی از این جریان باشیم. همه تا حدودی با المپیک آشنایی دارند، خواه ساعت ها از وقت خود را صرف تماشای این مسابقات کرده باشند خواه نکرده باشند. لازم نیست که شما یک شمشیرباز جدی باشید تا بدانید این مسابقات به چه منظوری برگزار می شود و هدف آن چیست و چه معنایی می دهند.

## روح المپیک

پیر دو کوبرتن یک بار گفته بود که: "**روح المپیک نه متعلق به یک نژاد است و نه به یک سن خاص.**" نظریه روح المپیک فراتر از یک شعار است. در سال ۲۰۱۰، IOC برنامه ای به نام *Olympic Spirit* ایجاد کرد که به طور خاص بتواند این روحیه را پرورش دهد و الهام بخش ورزشکاران بشود. این برنامه بر **بازی جوانمردانه، اتحاد، همبستگی و همچنین همزیستی و باهم بودن** متمرکز است.

وقتی بازی ها را تماشا می کنیم، به خوبی می بینیم که این شعار بارها و بارها تکرار می شود. برخی از بهترین داستان های افسانه ای مربوط به المپیک به آن دسته از ورزشکارانی تعلق دارد که هرگز روی سکو نمی روند، اما موانع زیادی را برای شرکت در این رقابت ها پشت سر می گذارند.

در مراسم افتتاحیه المپیک همه دور هم جمع می شوند. این مراسم تماشایی است، و بازیکنانی که قرار گرفتن روی سکو برایشان بعید است این لحظه را با افتخار تجربه می کنند. هر کشور نماینده ای برای حمل پرچم خود معرفی می کند. و حمل پرچم از جایگاه ویژه ای برخوردار است و افتخار بزرگی است.

اگرچه کشورها در طول بازی های المپیک به ظاهر در برابر یکدیگر قرار می گیرند و اگرچه رقابت شدید است، اما در عین حال حس رفاقت عمیقی بین شرکت کننده ها وجود دارد. حتی بین رقیب ها و دشمنان. البته این به معنای کنار گذاشتن کامل سیاست نیست، به خصوص در دوران جنگ سرد که در بازی ها نفوذ کرده بود، اما به نظر می رسد که روح المپیک همیشه غالب است. متأسفانه سیاست های بین المللی بر جنبش المپیک تأثیر گذاشته است، اما ورزشکاران شرکت کننده برای غلبه بر این موانع تلاش های می کنند تا به آرزوی خود برسند. دلیل الهام بخشی آنها از شعار المپیک این است که آنها دوست دارند از تمام آنچه ورزش به آنها می دهد استفاده کنند و به اوج شادی برسند.



یکی دیگر از نمونه های تشویق به اتحاد به لطف بازی های المپیک، در مورد کره شمالی و کره جنوبی بوده است که در چندین مراسم افتتاحیه با هم راهپیمایی کرده اند. آنها در حال حاضر تلاش می کنند تا **بازی های ۲۰۲۲ را به طور مشترک** برگزار کنند، که یک چرخش واقعا شگفت انگیز برای کشورهای دشمن است. شمشیربازی کره همچنان در حال رشد است، بطوری که تیم کره جنوبی در سال ۲۰۱۲ نقره بانوان را بدست آورد و پارک سانگ-یانگ قهرمان المپیک ۲۰۱۶ ریو شد. چقدر شگفت انگیز است که می بینیم ورزش ما توانسته است بوسیله ارتباطات الهام گرفته از منشور المپیک تا این اندازه متحول شود.

به دلیل همین روحیه است که ما بطور مداوم در این بازی ها شرکت می کنیم. ارزش المپیک بیش از ارزش انفرادی هر یک از ما می باشد. در این زمینه داستان های زیادی وجود دارد، داستان های بسیار جالبی برای تعریف کردن.

به آخرین جمله نقل شده از پیر دو کورتن، بنیانگذار بازی های المپیک مدرن توجه کنید: **"مهم ترین چیز در بازی های المپیک پیروزی نیست بلکه شرکت در مسابقات است، همان طور که مهم ترین چیز در زندگی پیروزی نیست بلکه مبارزه است. مهم این نیست که بازنده نباشید، بلکه خوب جنگیده باشید."**

این شعار برای ما شمشیربازها همواره بطور ویژه ای طنین انداز است. هیچ الزامی در کار ما نیست که تنها در اندیشه مغلوب کردن حریف باشیم، بلکه هر بار که بر روی پیست قدم می گذاریم تلاش می کنیم تا به بهترین وجه ممکن مبارزه کنیم. خواه یک شمشیرباز المپین باشید و خواه برای اولین بار شمشیر بدست گرفته باشیم.

Igor Chirashnya

Academy of Fencing Masters Blog